

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

مرکز اهواز

پایان نامه برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد

رشته ادبیات فارسی

گروه علمی زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

بازتاب نمادین عناصر اربعه در مثنوی

استاد راهنما:

دکتر محمود رضایی دشت ارژنه

استاد مشاور:

دکتر محمد شکرای

دانشجو:

صدیقه حاجیان

خرداد ۱۳۹۱

صور تجلسه دفاع از پایان نامه دوره کارشناسی ارشد

جلسه دفاع از پایان نامه دوره کارشناسی ارشد خانم/ آقای: مهنا علیا

دانشجوی رشته زبان و ادبیات شماره دانشجویی: ۸۸۰۰۰۳۳۸۳

تحت عنوان: پایان نامه در زمینه ادبیات

با حضور هیات داوران در روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۱/۳/۱۳ ساعت ۱۰ صبح

در محل تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور استان خوزستان مرکز اهواز برگزار شد و هیات

داوران پس از بررسی، پایان نامه مذکور را شایسته نمره به عدد ۲۰ به

حروف بیست با درجه عالی تشخیص داد.

ردیف	نام و نام خانوادگی	هیات داوران	مرتبیه دانشگاهی	امضاء
۱	محمد رفیعی	استاد راهنما	استادیار	
۳	گدا...	استاد مشاور	استادیار	
۴	آذری...	استاد داور	استادیار	
۵	مهنا کدوسی	نماینده تحصیلات تکمیلی	استادیار	

تقدیم به :

روح مادر بزرگم

که پژوهاک حکایات و تمثیلاتش

همراه با سخن مولانا طنین انداز گوش جانم است.

سپاسگزاری

ایزد منان را سپاس می گویم که مرا در سایه ی الطاف بی حد و حصر خویش قرار داد و در آینه ی تقدیر مقدر نمود که این پایان نامه را به اتمام برسانم ، اگر چه نگاشتن و تدوین هر اثر وابسته به همکاری و راهنمایی های مفید بزرگان و رهروان علم است . اکنون بر خود لازم می دانم که از همه ی کسانی که مرا در این پژوهش یاری نمودند، تشکر و قدر دانی نمایم

ابتدا از استاد ارجمند و فرزانه ام جناب آقای دکتر محمود رضایی دشت ارژنه که راهنمایی این پایان نامه را پذیرفتند و با تذکرات و یادداشت های سنجیده ی خویش مرا در اصلاح و رفع کاستی ها مدبرانه به من راه نمودند ، فروتنانه تشکر و قدردانی می کنم .

از استاد بزرگواریم جناب آقای دکتر محمد شکرایی که با قبول مشاوره ی این پایان نامه منت نهادند و در اتمام این پژوهش مرا یاری نمودند ، کمال سپاسگزاری و تقدیر را دارم.

همچنین از دیگر اساتید محترم که در طول این دو سال در محضرایشان کسب علم نمودم و راهنمایی های ایشان چراغ راهم بود سپاسگزارم و برای ایشان بقای عمر و موفقیت را از خدای منان خواستارم.

از همسر مهربانم که در تمامی مراحل انجام این پژوهش متحمل سختی ها و مشکلاتم بود صمیمانه سپاسگزارم.

از پدر و مادر مهربانم که همواره مشوقم بودند و مرا از دعای خیرشان محروم نکردند، دست پر مهرشان را می بوسم از آنها سپاس فراوان دارم.

و در نهایت از فرزندانم به ویژه دخترم زهرا ، که با قلب مهربان و کمک های بی دریغش همواره یاری گرم بود و نبودن های مرا در خانه جبران می کرد قدر دانی می نمایم.

چکیده

مولانا یکی از بزرگترین شاعران عارف ادب فارسی که توانسته است با بیان حقایق عرفانی در قالب حکایات جذاب و دلانگیز، مثنوی را در زمره ی یکی از مهمترین متون نظم عرفانی در آورد. در این پژوهش نگارنده کوشیده است که عناصر اربعه را در این اثر بشکوه مورد نقد و بررسی قرار دهد تا روشن شود که مولانا تا چه حد عناصر اربعه را در معانی عرفانی به کار برده و بازتاب نمادین هر یک از عناصر اربعه در مثنوی، تا چه حد برجسته و نمایان است؟ از دیگر سو هر یک از عناصر اربعه، چه بازتاب های نمادینی در مثنوی داشته و بسامد کاربرد نمادین هر یک دارای چه کم و کیفی است. در پایان مشخص شد که از بین عناصر اربعه در مثنوی آب، دارای بیشترین طیف معناهای نمادین است و باد، کم ترین بازتاب نمادین را در این اثر عرفانی دارد. به علاوه عناصر اربعه گرچه در مثنوی در ظاهر و نگاه نخست، ممکن است در معنی حقیقی و قاموسی خود به کار رفته باشد، اما مولانا با توجه به ذوق عرفانی خود و کمک از آیات و احادیث، بُعدی عرفانی برای این عناصر قایل شده و آنها را در فرجام، در معانی عرفانی و نمادین به کار گرفته است.

کلید واژه : عرفان، مولانا، مثنوی، عناصر اربعه، نماد

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه

فصل اول : کلیات

۵.....	۱-۱ هدف تحقیق
۵.....	۱-۲ پیشینه‌ی تحقیق
۷.....	۱-۳ روش کار و تحقیق
۸.....	۱-۴ نگاهی اجمالی به نماد
۱۱.....	۱-۵ معرفی اجمالی عناصر اربعه و جایگاه آنها در مثنوی

فصل دوم : بازتاب نمادین آب در مثنوی

۱۹.....	۲- بازتاب نمادین آب در مثنوی
۲۳.....	۲-۱ آب نماد حقیقت و ذات حق تعالی
۳۹.....	۲-۲ دریا نماد حق تعالی
۴۶.....	۲-۳ آب نماد معرفت و علوم باتنی
۵۱.....	۲-۴ آب نماد طاعات و عبادات
۵۵.....	۲-۵ آب، نماد روح
۵۹.....	۲-۶ آب نماد انسان و لطف و انعام خداوند
۶۰.....	۲-۷ آب نماد انسان کامل و اولیا و انبیاء

- ۶۷..... ۸-۲ آب نماد عشق الهی
- ۶۸..... ۹-۲ آب نماد قهر خداوند
- ۶۹..... ۱۰-۲ آب و چشمه نماد فرزند
- ۶۹..... ۱۱-۲ آب صاف نماد ظاهر آراسته
- ۷۰..... ۱۲-۲ آب نماد عالم مادی و مادیات
- ۷۲..... ۱۳-۲ آب نماد بلا و مصیبت
- ۷۳..... ۱۴-۲ آب نماد نفسه اماره
- ۷۴..... ۱۵-۲ سیل نماد سخن نابهنگام
- ۷۵..... ۱۶-۲ آب حیات
- ۸۴..... ۱۷-۲ ترکیبات آب
- ۸۴..... ۱۷-۲ ۱- آب تلخ ، شور
- ۸۷..... ۱۷-۲ ۲- آب سیاه
- ۸۸..... ۱۷-۲ ۳- آب شیرین ، آب خشک
- ۹۱..... ۱۸-۲ آب و روغن
- ۹۲..... ۱۹-۲ ترکیبات اضافی تشبیهی

فصل سوم : بازتاب نمادین آتش در مثنوی

- ۹۷..... ۳- بازتاب نمادین آتش در مثنوی
- ۹۸..... ۱-۳ آتش نماد عشق الهی

- ۱۱۱..... ۲-۳ آتش نماد قهر خداوند
- ۱۱۴..... ۳-۳ آتش نماد ذات حق ، اسرار و حقایق ازلی
- ۱۱۷..... ۴-۳ آتش نماد ریاضت
- ۱۲۰..... ۵-۳ آتش نماد خشم و صفات ناپسند
- ۱۲۴..... ۶-۳ آتش نماد نفس و امیال نفسانی
- ۱۲۹..... ۷-۳ آتش نماد دنیای مادی و تعلقات مادی
- ۱۲۹..... ۸-۳ آتش نماد شیطان
- ۱۳۱..... ۹-۳ آتش نماد سختی و رنج و منت
- ۱۳۴..... ۱۰-۳ آتش نماد ظلم و ستم
- ۱۳۵..... ۱۱-۳ آتش نماد خود بینی و غرور
- ۱۳۶..... ۱۲-۳ آتش نماد سخن بی جا و فتنه انگیز
- ۱۳۷..... ۱۳-۳ آتش نماد انسان کامل
- ۱۳۷..... ۱۴-۳ آتش نماد رحمت و لطف الهی
- ۱۴۰..... ۱۵-۳ آتش نماد دوزخ و قهر الهی
- ۱۴۱..... ۱۵-۳ ترکیبات آتش

فصل چهارم : بازتاب باد در مثنوی

- ۱۴۵..... ۴- بازتاب باد در مثنوی
- ۱۴۷..... ۱-۴ باد نماد ذات حق و اراده و مشیت الهی

- ۲-۴ باد نماد پیام آور حق و اسرار الهی ۱۵۵
- ۳-۴ باد نماد رحمت الهی ۱۵۶
- ۴-۴ باد نماد عشق الهی ۱۵۷
- ۵-۴ باد نماد قهر الهی ۱۵۸
- ۶-۴ باد نماد نابودی و فنا و بلا ۱۶۰
- ۷-۴ باد نماد نا ملایمات و سختی ها ۱۶۲
- ۸-۴ باد نماد نفس و وسوسه های شیطان ۱۶۲
- ۹-۴ باد نماد روح ۱۶۶
- ۱۰-۴ باد نماد قدرت و آزادگی ۱۶۸
- ۱۱-۴ باد نماد عمل بیهوده و یاوه ۱۶۸
- ۱۲-۴ باد نماد سرعت ۱۶۹
- ۱۳-۴ ترکیبات باد ۱۶۹

فصل پنجم: بازتاب نمادین خاک در مثنوی

- ۵- بازتاب نمادین خاک در مثنوی ۱۷۳
- ۱-۵ خاک نماد تعلقات نفسانی و ظواهر مادی ۱۷۴
- ۲-۵ خاک نماد عالم مادی ۱۸۲
- ۳-۵ خاک نماد انسان ۱۸۸
- ۴-۵ خاک نماد پیامبر و اولیا ۱۹۳

۱۹۵..... ۵-۵ خاک نماد جسم و کالبد

۱۹۹..... ۶-۵ خاک نماد تواضع و فروتنی

۲۰۰..... ۷-۵ خاک نماد بی ارزشی و بیهودگی

۲۰۲..... ۸-۵ آب و گل نماد جهان مادی و تعلقات مادی و شهوات نفسانی

۲۰۴..... ۹-۵ آب و گل نماد جسم و کالبد

۲۰۶..... ۱۰-۵ آب و گل نماد انسان

فصل ششم : نتیجه

۲۰۹..... ۶- نتیجه

۲۱۲..... فهرست منابع و مأخذ فارسی

۲۱۵..... فهرست منابع و مأخذ غیر فارسی

مقدمه

اقیانوس بیکران مثنوی معنوی شناگران ماهر و مجربی را می‌طلبد که با آبهای طغیان‌گر خروشان آن مأنوس‌اند و سالها با آن همراه بوده‌اند. شناگر کم‌تجربه و جسوری چون نگارنده به محض ورود به این اقیانوس و دیدن عظمت گسترده‌ی آن شگفت‌زده شد و احساس ضعف و ناتوانی موجب شد که از غور کردن در این آبها مردد شود، اما خوشبختانه وقتی مربیان مجرب و آگاهی را در کنار خودم یافتیم، با امید به حق تعالی و یاری اساتید محترم تصمیم به ادامه راه گرفتیم و پایان‌نامه حاضر حاصل ژرف‌نگری نگارنده در این اثر بشکوه است:

گر بریزی بحر را در کوزه‌ای چند باشد قسمت یک روزه‌ای

مولانا جلال‌الدین محمد بلخی یکی از بزرگترین شاعران عارف ادب فارسی است که نقش تعیین‌کننده‌ای در ادب عرفانی دارد، و می‌توان به جرأت اقرار کرد که مثنوی یکی از مهمترین آثار ادب عرفانی زبان فارسی است که حکایات و تمثیلات عرفانی آن بیانگر اندیشه‌های متعالی مولاناست. وی با خلق مثنوی توانست نام خود را بر تارک عرفان اسلامی و فکر و ادب ایرانی و غیر ایرانی در کنار مشاهیر دیگر ادب فارسی جاودانه سازد.

زرین کوب درباره‌ی مثنوی معتقد است: «آنچه مثنوی را نردبان آسمان می‌کند و از این عظیم‌ترین اثر عرفان انسانی، در تمام قرون ظاهراً هیچ نظیری ندارد، وسیله‌ای برای عروج اندیشه به معراج حقایق می‌سازد، سر‌قصه‌ها و مخصوصاً آن‌گونه قصه‌های مثنوی است که به احوال انبیا و اولیا مربوط می‌شود و اسرار اقوال و افعال رسول خدا و سیره‌ی صحابه و زهاد و مشایخ را «اسوه‌ی حسنه» و دستاویز نیل به مدارج کمال سالک طریق می‌نماید.» (زرین کوب، ۱۳۸۷: ۱۳)

آثار مولانا از جمله مثنوی معنوی از جنبه های مختلفی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است ، ولی درباره ی عناصر اربعه از دیدگاه مولوی و جایگاه آنها در مثنوی بررسی جامعی صورت نگرفته است .

از آنجا که از دید قدما این چهار آخشیج، چهار رکن اصلی سازنده این جهان تلقی می شوند، لذا بررسی بررسی بازتاب نمادین عناصر اربعه در شعر این شاعر بزرگ، می تواند کاری نو و بدیع باشد و گامی مهم در روشن کردن یکی دیگر از ابعاد شعر مولانا به شمار آید. همچنین شاید این پژوهش بتواند خلاقیت مولانا را در پردازش هنرمندانه ی مثنوی بیشتر نمایان سازد .

فرضیه های مطرح شده در این پژوهش عبارتند از :

- ۱- مولوی عناصر اربعه را بیشتر به شکل نمادین به کار برده است .
- ۲- مولوی با تاثیر از قرآن و احادیث و روایات به نماد پردازی عناصر اربعه پرداخته است . انجام این تحقیق به روش تجزیه و تحلیل اطلاعات و گردآوری مطالب به شیوه ی کتابخانه ای است .

به طور کلی پژوهش حاضر شامل : چکیده ، مقدمه ، شش فصل است. مقدمه شامل بیان موضوع ، ضرورت تحقیق و فرضیه های مربوط به آن می باشد . فصل اول اختصاص به کلیات دارد که شامل هدف و پیشینه ی تحقیق ، روش کار ، نگاهی اجمالی به مفهوم «نماد» و معرفی اجمالی عناصر اربعه و جایگاه آنها در مثنوی است . فصل دوم بازتاب نمادین آب در مثنوی با فصل سوم ، بازتاب نمادین آتش و فصل چهارم بازتاب نمادین باد و در در فصل پنجم بازتاب نمادین خاک در مثنوی و در نهایت فصل ششم نیز به نتیجه گیری اختصاص یافته است .

نگارنده این سطور بر خود واجب می داند که از استاد ارجمند جناب آقای دکتر محمود رضایی دشت ارژنه که راهنمایی این پایان نامه را به عهده گرفتند و با تذکرات دلسوزانه و یادداشت های سنجیده ی خویش در اصلاح و رفع کاستی ها یاری رسان بوده و مدبرانه ادامه ی راه را هموار می نمودند، فروتنانه تشکر و قدردانی نماید، همچنین از استاد بزرگوار جناب آقای دکتر محمد

شکریایی که با قبول مشاوره‌ی این پایان نامه منت نهادند. کمال سپاسگزاری و تقدیر را دارد. و از اینکه در برابر بزرگان علم و ادب گستاخی نموده و قدم در این راه پرپیچ و خم نهاده است، انتظار دارد که این بزرگان به قلم خطا پوش خود بر خطاهایش خط بکشند و این گستاخی را به حساب شوق و اشتیاقش بگذارند.

صدیقه حاجیان

فصل اول

کلیات

۱-۱ هدف تحقیق

هدف از این تحقیق بررسی بازتاب نمادین عناصر اربعه و جایگاه آنها در مثنوی معنوی مولوی است، به عبارت دیگر در این پژوهش، تلاش نگارنده بر این است که نشان دهد که عناصر اربعه در مثنوی بیشتر به چه شکلی نمود یافته اند و دریافت ها و تأویلات مولانا از این عناصر در مثنوی به چه شکلی متبلور شده است.

۲-۱ پیشینه‌ی تحقیق

مولانا جلال الدین محمد فرزند سلطان العلماء بهاء الدین محمد بن حسین الخطیبی از بزرگترین شعرای عارف ایران در سال ۶۰۴ هجری در بلخ تولد یافت. پدرش محمد بن حسین ملقب به بهاء الدین ولد نوهی دختری علاء الدین خوارزمشاه بود. وی به علت آزار مردم بلخ مجبور به سفر شد و با پسرش جلال الدین از ایران خارج شد، سن جلال‌الدین در این موقع تقریباً ۱۴ سال بود، در بین راه با عطار نیشابوری ملاقات می‌کند که عطار نسخه‌ای از مثنوی اسرارنامه را مولانا می‌دهد. بعد از عبور از بغداد و زیارت حج به ملاطیه رسید و در آن شهر ۴ سال اقامت نمود. بعد به لارنده مرکز حکومت سلجوقیان رفت و ۷ سال در آنجا اقامت کرد. سپس به موجب دعوت سلطان علاء‌الدین کیقباد (۶۱۷-۶۳۴) که از شاهان بزرگ ادب پرور بود، به قونیه رفتند.

اولین مراتب تعلیم و تربیت و هدایت جلال الدین در نزد پدرش بود و بعد از وفات پدر، از مجالس درس سید برهان الدین محقق ترمذی کسب فیض نمود و نه سال تحت ارشاد وی بود. بعدها سرنوشت او را با یکی از بزرگان آشنا کرد که این آشنایی تأثیر زیادی در زندگی جلال الدین نمود. باری، این شخص شمس الدین بن محمد علی بن ملک داد تبریزی ملقب به «شمس تبریزی» بود، که آتش عشق را در وجود مولانا شعله ور ساخت و او را پر پرواز داد، علاقه وافر مولانا به شمس انقلابی در او پدید آورد که موجب گردید کلاس درس و فتوی را ترک کند، این امر سبب

نارضایتی و خشم مریدان مولانا شد و عاقبت شمس تحت فشار مریدان مدتی خود را از مولانا دور نگه دارد اما تداوم به این امر برای او میسر نشد و سرانجام دوباره به قونیه بازگشت، اما چندی بعد ناگاه ناپدید شد، و شایع گشت که به دست مریدان کشته شده است.

مولانا مدت زیادی به ریاضت و تجربه در علم عرفان پرداخت و عاقبت به مقام والایی رسید و قطب سالکین آن مسلک گردید. چنانکه رسم مشایخ آن طایفه بود خلیفه ای برخود معین نمود اولین خلیفه ی او صلاح الدین فریدون زرکوب نام داشت، وی مقداری از غزلیات شمس که بیشتر آن درباره شمس تبریزی است به نام صلاح الدین گفته است و مثنوی هم که مهم ترین اثر عرفانی ادب فارسی است به خواهش و تقاضای حسام الدین چلبی به وجود آمده است. بعد از صلاح الدین در سال (۶۵۷) حسام الدین حسن بن محمد بن حسن را به خلافت برگزید. سرانجام مولانا در جمادی الاخر سال (۶۷۲) در قونیه، در پایان بیماری که ظاهراً تب سوزناکی بوده است وفات یافت جسد او را در کنار تربت پدرش که موسوم به باغ سلطان یا ارم باغچه بود، دفن کردند.

از آثار برجسته ی مولوی : مثنوی معنوی بزرگترین ثمره ی افکار و بهترین جلوه ی اشعار جلال الدین که ۲۶۰۰۰ بیت و در شش جلد در بحر رمل مسدس محذوف یا مقصور سروده شده است. محتویات مثنوی حکایات مسلسل منظومی است که مولانا با ذکر آنها نتایج دینی و عرفانی گرفته و حقایق معنوی را ساده و از راه تمثیل بیان نموده است. وی به همین ترتیب بسیاری از آیات قرآن و اخبار و احادیث را نیز از لحاظ عرفانی شرح و بیان می کند. بعد از مثنوی غزلیات شمس او از مهم ترین غزلیات عرفانی به شمار می آید که تعداد ابیات آن را سی هزار بیت گفته اند. گذشته از مثنوی و دیوان شمس، سه کتاب منثور فیه ما فیه، مجالس سبعه و مکاتیب از مولانا به یادگار مانده است.

جلال الدین محمد بلخی معروف به مولوی، شاعر و عارف بزرگی است که در عرفان و بیان حقایق معنوی بسیار مشهور است. تذکره نویسان و پژوهشگران معاصر ایرانی و غیر ایرانی درباره ی او مطالب زیادی نوشته اند و شرح های زیادی در تفسیر و شرح اثر معروف وی یعنی

مثنوی معنوی وجود دارد. از جمله آثاری که در شرح زندگی و احوال و آثار وی نوشته شده اند ، می توان به موارد زیر اشاره کرد: تاریخ ابیات ادوارد براون ، تاریخ ابیات ذبیح الله صفا ، پله پله تا ملاقات خدا ، ارزش میراث صوفیه ، بحر در کوزه و سرنی از عبدالحسین زرین کوب و همچنین تاریخ ابیات ایران از دکتر رضا زاده شفق و شرح مثنوی از نیکلسن و شرح استاد فروزانفر و ... را

مبنای کار در این رساله شرح مثنوی کریم زمانی است که نشانی ابیات و شماره صفحات در کل پایان نامه از این شرح مذکور است . انتخاب این شرح به این دلیل است که : این شرح بر مبنای چاپ نیکلسون است و همچنین زمانی در شرح ابیات از بسیاری شروح معتبر مثنوی بهره گرفته است . و در واقع جامع شرح های مهم مثنوی مولوی است

(صفا ، ج ۳ ، ۱۳۷۲: ۴۷۲ - ۴۴۸)، (براون ، ۱۳۵۱ : ۲۰۹ - ۲۰۰) ، (شفق تهرانی ، ۱۳۳۷ : ۲۸۳ - ۲۶۸)، (زرین کوب ، ۱۳۶۲ : ۱۳۹-۱۳۶)، (زرین کوب ، ۱۳۸۷ : ۷۴ - ۱۵)

۱-۳ روش تحقیق

شیوه کار تحقیق در این رساله بدین ترتیب است : ابتدا شش دفتر مثنوی مطالعه شد و سپس چهار عنصر «آب ، خاک ، آتش و باد» و جلوه های مختلف در آنها هر کدام در فیش های جداگانه نوشته شد. سپس هر عنصر در فصل جداگانه ای مورد بررسی قرار گرفت . ابتدا عناصری که در معنای نمادین بکار رفته بودند، و از دیگر فیش ها جدا شده و با توجه به بیشترین کاربرد هر نماد ترتیب اولویت آنها در هر فصل قرار گرفت - برای مثال فصل دوم که بازتاب نمادین عنصر آب است ، در آغاز فصل مقدمه کوتاهی مربوط به آب آورده شده است و سپس به بررسی نمادین آب و جلوه های مختلف آن در حکایات و روایات پرداخته شده است . بدین منظور قبل از ذکر ابیات مورد نظر گاه خلاصه ای از حکایت همراه با شرح کوتاهی در مورد آن نماد آورده شده است و اگر بیت با توجه به آن نماد به آیه یا حدیثی اشاره دارد . آن آیه و حدیث در ذیل شرح مطالب همراه با ذکر منابع آن نوشته شده است . سپس ابیات مشابه در

پایان شرح ها می آید ، شماره ی صفحه ، بیت و شماره ی دفتر به ترتیب از چپ به راست دنباله ی مطالب نوشته شده است .

گاه در ابیات اگر واژه‌ی مشکلی باشد که فهم بیت را دشوار می سازد ، معنی و مفهوم آن لغت در پاورقی همان صفحه قید شده است. منبع شرح لغات فارسی از فرهنگ دهخدا می باشد .

۱-۴نگاهی اجمالی به مفهوم نماد

نماد در لغت به معنی نمود، نماد و نماینده است و در برابر واژه ی فرنگی سمبل^۱ که از کلمه یونانی سیمبلن^۲ می آید . به معنی علامت، نشان و اثر می باشد. نماد شیء بی جان یا موجود جاننداری است که هم خودش است هم مظهر مفاهیم فراتر از خودش، اگر چه نماد به معنی نشانه است، تفاوت آن با نشانه در آن است که نشانه مفهوم ساده و واحدی را می رساند . مثل علائم رانندگی ، پرچم، دریافت پیام چنین نشانه هایی نیاز به بستر سازی و متن خاصی ندارد و از این رو نشانه از جهت انتقال پیام خود کفاست، اما دریافت پیام نماد و نوع آن پیام بستگی به متن یا عوامل پیرامون آن دارد . برای مثال تندیس دست بریده در مذهب شیعه هم نشانه و مظهر دست بریده ی حضرت ابوالفضل در واقعه ی کربلاست و هم مظهر مظلومیت شیعه است، اما مفهوم دوم در بستر تاریخ شیعه قابل دریافت است.(داد، ۱۳۸۷: ۵۰۰- ۴۹۹)

شمیسا درباره ی نماد می گوید : «سمبل را در فارسی رمز ، مظهر و نماد می گویند. سمبل رابطه ای دو سویه است، به سویه ی غایب مظهر له (یا مرموز الیه یا بود) و به سویه ی حاضر مظهر (یا رمز یا نمود) می گوئیم.» (شمیسا ، ۱۳۸۵: ۲۱۷)

ویژگیهای نماد از نظر شمیسا عبارتند از :

¹ - symbol

² - symbelon

۱- سمبل صریحاً به یک مظهر له (مشبه) خاص مشخصی دلالت ندارد، بلکه دلالت آن بر چند مظهر له (مشبه) نزدیک به هم و به اصطلاح هاله ای از معانی و مفاهیم مربوط به هم و نزدیک به هم است مثلاً زندان در شعر عرفانی سمبل تن و دنیا و تعلقات دینوی و امیال نفسانی و غیره

۲- سمبل قرینه‌ی صریحی ندارد و قرینه، معنوی و مبهم است و درک آن مستلزم آشنایی با زمینه‌های فرهنگی بحث است.

۳- دو سمبل ربط بین دو سو گاهی مشابهت (آئینه و ذهن)، گاهی مجاورت (جغد و خرابه)، گاهی نقش و عملکرد (گل سرخ و عشق)، گاهی احساس (سفید و صلح).
به طور کلی ربط تداعی است، سویی حاضر، سویی غایب را تداعی می‌کند.

۴- در مورد معنی سمبلیک ممکن است شعر یا شاعر چیزی نگوید و این خواننده است که به سراغ معنای سمبلیک می‌رود. (همان، ۱۳۸۵: ۲۱۶)

همچنین پورنامداریان در تعریف سمبل بیان کرده است: آنچه که ما سمبل می‌نامیم عبارت است از یک اصطلاح، یک نام، یا حتی تصویری که ممکن است نماینده‌ی چیز مأنوسی در زندگی روزانه باشد و با این حال علاوه بر معنی آشکار و معمول خود معانی تلویحی بخصوصی نیز داشته باشد. سمبل معرف چیزی مبهم، ناشناخته یا پنهان از ماست.... بنابراین یک کلمه یا یک شکل وقتی سمبلیک تلقی می‌شود که به چیزی بیش از معنی آشکار و مستقیم خود دلالت کند. سمبل دارای جنبه‌ی ناخودآگاه وسیع‌تری است که هرگز به طور دقیق تعریف یاب به طور کامل توضیح نگردیده است.... ذهن آدمی، در کند و کاو سمبل، به تصوراتی می‌رسد که خارج از محدوده‌ی استدلال معمولی است. (پور نامداریان، ۱۳۶۴: ۱۹)

به نظر شمیسا سمبل سه نوع است:

۱- وضعی یا قرار دادی، شاعر خود سمبل را وضع می‌کند مثل سمبل‌های منطق الطیر:
بط سمبل زاهدان و متشرعان و اهل ظاهر است.